

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تکثیر از: داکتر محمد کریم فارغی - استرالیا
۰۶ مارچ ۲۰۲۲



داکتر محمد کریم فارغی

مقاله هنری کسینجر (یک راه حل منطقی، معتدل و دیپلماتیک)

از پوتین "شیطان" نسازید- اوکرایین نباید به ناتو وصل شود



غرب باید درک کند که برای روسیه، اوکرایین هرگز نمی تواند یک کشور خارجی باشد. تاریخ روسیه در جایی آغاز شد که کیوان-روس نامیده می شد. مذهب روسی از آنجا گسترش یافت. اوکرایین برای قرن ها بخشی از روسیه بوده است و پیش از آن تاریخ آنها در هم تنیده شده بود. برخی از مهمترین نبردها برای آزادی روسیه، که با نبرد پولتاوا در سال ۱۷۰۹ شروع شد، در خاک اوکرایین انجام شد. کشتی های جنگی بحیره سیاه - ابزار روسیه برای نمایش قدرت در بحیره مدیترانه - با اجاره بلندمدت در سواستوپل در کریمیا مستقر است. حتی مخالفان مشهوری مانند الکساندر سولژنیتسین و جوزف برادسکی (دوران اتحاد شوروی) اصرار داشتند که اوکرایین بخشی جدائی ناپذیر از تاریخ روسیه و در واقع روسیه است.

اوکرایینی ها عنصر تعیین کننده هستند. آنها در کشوری با تاریخ پیچیده و ترکیب چند زبانی زندگی می کنند. بخش غربی آن در سال ۱۹۳۹، به اتحاد جماهیر شوروی پیوست. کریمیا، که ۶۰ درصد جمعیت آن روس هستند، تنها در سال ۱۹۵۴ بخشی از اوکراین شد، زمانی که نیکیتا خروشچف، که خودش اوکرایینی بود، آن را به عنوان بخشی از جشن سیصدمین سال توافق روسیه با کوزاک ها اعطا کرد. غرب اوکراین عمدتاً کاتولیک است. شرق عمدتاً ارتدوکس روسی. غرب به زبان اوکرایینی صحبت می کند. شرق بیشتر به زبان روسی صحبت می کند. هر گونه تلاشی از سوی یکی از جناح های اوکراین برای تسلط بر جناح دیگر - طبق الگوی قبلی - در نهایت منجر به جنگ داخلی یا فروپاشی می شود. در نظر گرفتن اوکراین به عنوان بخشی از رویارویی شرق و غرب، برای چندین دهه هرگونه چشم اندازی قبول یک سیستم بین المللی همکاری میان روسیه و غرب - به ویژه روسیه و اروپا - را از بین می برد.

اوکراین تنها ۲۳ سال است که مستقل شده است. قبلاً از قرن چهاردهم تحت نوعی حکومت خارجی قرار داشت. جای تعجب نیست که رهبران آن هنر سازش را یاد نگرفته اند، حتی کمتر از دیدگاه تاریخی. سیاست اوکراین پس از استقلال به وضوح نشان می دهد که ریشه مشکل در تلاش های سیاستمداران اوکرایینی برای تحمیل اراده خود بر بخش های سرکش کشور (شرق کشور)، ابتداء توسط یک جناح، سپس توسط جناح دیگر، نهفته است. درگیری ویکتور یانوکویچ و رقیب سیاسی اصلی او، یولیا تیموشنکو (بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و تشکیل جمهوری اوکراین) همین بود. آنها نماینده دو جناح اوکراین بودند و تمایلی به تقسیم قدرت نداشتند. سیاست عاقلانه ایالات متحده در قبال اوکراین باید راه حلی برای همکاری دو بخش این کشور با یک دیگر باشد. ما باید به دنبال آشتی باشیم نه سلطه یک جناح روسیه و غرب، در اوکراین، بر اساس این اصل عمل نکرده اند. هر کدام وضعیت را بدتر کرده است. روسیه بدون منزوی کردن خود در زمانی که بسیاری از مرزهایش نامطمئن هستند، قادر به تحمل راه حل نظامی نخواهد بود. برای غرب، شیطان سازی ولادیمیر پوتین سیاست (درستی) نیست.

پوتین یک سنتر اتریست جدی است - در زمینه تاریخ روسیه. درک ارزش های ایالات متحده مناسب او نیست. همچنین درک تاریخ و روانشناسی روسیه نقطه قوت سیاستگذاران ایالات متحده نبوده است.

رهبران همه طرف ها باید به بررسی نتایج بازگردند، نه این که در موضع گیری رقابت کنند .

• اوکراین باید حق انتخاب آزادانه سیستم اقتصادی و سیاسی خود، از جمله با اروپا را داشته باشد، اما نباید به ناتو بپیوندد. این موضعی است که من ۷ سال پیش، زمانی که آخرین بار این مسأله مطرح شد، اتخاذ کردم.

الحاق کریمیا توسط روسیه با قوانین نظم جهانی موجود ناسازگار است. اما اوکراین باید خودمختاری کریمیا را در انتخاباتی که با حضور ناظران بین المللی برگزار شود، قبول و تقویت کند .

اینها اصول هستند نه نسخه .

جایگاه های سیاسی هنری کسینجر ۹۹ ساله

مشاور امنیت ملی رئیس جمهور - دسامبر ۱۹۶۸ تا جنوری ۱۹۷۷

رئیس شورای امنیت ملی - ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۵

وزیر امور خارجه - ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷

اصل این مقاله که خلاصه ویراستاری شده از آن را خواندید ابتداء در واشنگتن پست The Washing post منتشر شد.

به نقل از Pyknet پیک نت

هفته ۱۰۹ تاریخ ۲ مارچ ۲۰۲۲